

ابنیۃ اسم:

ابنیۃ اسم نیز همان طور که در مقدمه کتاب گذشت، شش تاست:

۱. ثلاثی مجرد
۲. ثلاثی مزید
۳. رباعی مجرد
۴. رباعی مزید
۵. خماسی مجرد
۶. خماسی مزید

ثلاثی مجرد:

ثلاثی مجرد دارای ده وزن است:

طریقه ساخت ده وزن به این صورت است که حرکات فاء الفعل، سه حرکت - - - می‌تواند باشد و حرکات عین الفعل ۴ حرکت مذکور به اضافه سکون - به این ترتیب ۱۲ حالت ایجاد میشود که البته فَعْل و فُعْل موجود نیستند و البته مثالی همانند دُئِل بر وزن فُعْل قلیلاً مشاهده شده است.

فَعْل = ۱۲ حالت - (فُعْل + فَعْل)

رباعی مجرد:

دارای ۶ وزن است:

۱. فَعْلَل ← جعفر (نهر کوچک)
۲. فَعْلَل ← زبرج (آرایش)
۳. فَعْلَل ← برثن (پنجه شیر)
۴. فَعْلَل ← درهم (پول نقره)
۵. فَعْلَل ← قمطر (صندوقچه کتاب)
۶. فَعْلَل ← جخدب (نوعی ملخ)

خماسی مجرد:

دارای ۴ وزن است:

۱. فَعَلَّ ← سفرجل (به)
۲. فَعَلَّل ← جحمرش (پیرزن)
۳. فَعَلَّ ← قرطعب (چیز کم)
۴. فَعَلَّ ← قذعمل (شترتومند)

اسم ثلاثی مزید بسیار زیاد است که قابل محاسبه و شمارش نیست و اسم رباعی مزید نیز زیاد است. اما اسم خماسی مزید کم است که بعضی تعداد آنها را تا ۵ تا شمارش کرده اند مانند: خَزَعَبِيل

برای تمییز حروف اصلی از زائد روشهایی وجود دارد که در خاتمه کتاب خواهد آمد ان شاءالله. 

حذف حروف اصلی ثلاثی:

این را بدان که گاهی بعضی از حروف اصلی اسم ثلاثی حذف میشود و آنگاه:

۱. گاهی به جای حرف محذوف حرف دیگری قرار میگیرد:

- سَمُو ← اسم
- بَنُو ← ابن و بنت
- اَخُو ← اُخت

۲. گاهی هم به جای حرف محذوف حرفی قرار داده نمیشود:

- اَبُو ← اب
- اَخُو ← اخ
- دَمِي ← دم

اسماء یک یا دو حرفی:

بعضی از اسماء وجود دارد که در اصل وضع خود دارای یک یا دو حرف هستند:

- یک حرفی: ضمیر متصل تٌ در نصرْتُک
- دو حرفی: من ، ما شرطیه یا موصوله یا استفهامیه، کم استفهامیه یا خبریه

حاشیه

مطالب و نکات مطرح در کلاس:

صفحه (۱۹۹)

هناک ظرف است وقتی میگوییم هنا مسجد میتوانیم بگوییم هنا مبتدا است ولی در مثال هناک اسماء باید بگوییم که هناک ظرف و خبر مقدم است و اسماء مبتدای مؤخر است. و معنای آن این است که: اینجا اسمائی هستند که وضع شده اند در اصل بر یک حرف یا دو حرف

خلاصه اینکه در زبان عربی اسمائی وجود دارند که یک حرفی یا دوحرفی هستند و این به این معنا نیست که از ابتدا هیچ حذفی رخ نداده است.

در وضعت، هی مستتر است که نائب فاعل است.

نکته: اصطلاح هناک ... به این معناست که «وجود دارد» ...

تقسیم از نظر صرفی مصدر باب تفعیل است.

اطار: چهارچوب

نکته: بعد از اسماء اشاره اگر اسم جامد آمد عطف بیان است و اگر مشتق آمد صفت است و مصدر جامد است و مشتق نیست بنابراین باید عطف بیان در نظر گرفته شود در مثال کتاب هذه التقسیمات تقسیمات در اصل عطف بیان است.

توجه: برای خواندن يلحق که مفتوح الياء بخوانیم یا مضموم یعنی معلوم یا مجهول اینها هر دو ممکن است اما

تمرین: باید از کتاب لغت نگاه کنیم که کدام درست است؟

ماده لحق را هم میتوان ثلاثی مجرد در نظر گرفت که در این حالت لازم است و باتوجه به متن باید معلوم تلفظ شود اما میتوان ثلاثی مزید باب افعال هم آن را در نظر گرفت که در این صورت متعدی به نفسه بوده و میتوان آن را مجهول هم قرائت کرد.